

دو سند از سادات طباطبایی زواره

دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ^۱

نرجس خاتون محبی^۲

انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود، به تعاون، هم‌پاری و تفاهم دیگران نیازمندند و امور معیشت آنان با همکاری و تشریک مساعی به یکدیگر پیوند خورده است. غرائز گوناگون و استعداد‌های فکری، جسمی و عقلی و هوش ویژه‌ای که انسان را از دیگر موجودات متمایز و برتر ساخته است، زمینه‌هایی برای جولان فکر و اندیشه و پرواز آرزوهای او فراهم آورده و این موجود پیچیده و ناشناخته را به وادی تمدن و پیشرفت مادی و علمی گسترده‌ای رهنمون کرده است.

در کنار پیشرفت‌های مادی، دایره علائق و دلبستگی‌های بشر نیز روز به روز وسعت و عمق بیشتری یافته و حرص و آز و خودخواهی‌های او نیز لجام گسیخته‌تر شده است تا جایی که حاضر است، جهان را به کام حرص و آز خویش فرو برد و از این رهگذر زندگی دیگران را پایمال سازد.

دین مبین اسلام با هدف اعتلای بشر به مراتب ارزشمند است انسانی و معنوی، جامع‌ترین برنامه‌های سازندگی و راه وصول به فضائل و ارزش‌های وجودی را ارائه داده و برای جبران کاستی‌ها و محرومیت‌ها و زدودن هاله‌های نومیدی و ستردن تبعیض‌ها و تضادها و رفع فاصله‌های طبقاتی و بهتر از همه استقرار نظامی متعالی و پویا بر اساس قسط و عدل در جامعه بشری، سنت‌های حسنه‌ای را مقرر داشته است که از جمله آنها وقف، صدقات و خیرات می‌باشد و به «فاسبقوا الخیرات» توصیه نموده است و آن را نشانه پیوندی با عمل صالح، تعاون، احسان، صدقه، انفاق، ایثار و ... دانسته و بر حذردارنده از اسراف، تبذیر، کنز مال، کسب حرام و مآلاً طغیان و استکبار بر می‌شمرد.

۱. دکترای جغرافیای انسانی، پژوهشگر

۲. کارشناس ارشد تاریخ

در مجموعه احکام و تعالیم اسلام، سنت وقف و خیرات و صدقات جاریه که اهداف یاد شده را تحقق می‌بخشد، خود به عنوان رهنمودی انسان‌ساز، و فرهنگی مترقی به شمار می‌رود که آثار اخلاقی و عواید معنوی بزرگ و بی‌شماری را به دنبال دارد و می‌تواند با تأمین نیازهای مادی و معنوی و گشودن راه کسب فضائل و کمالات، جامعه‌ای هم‌بسته و سامان یافته و امتی اسوه و نمونه را پایه‌گذاری کرده و از بروز بسیاری از آلام و مصائب و رواج مفاسد و ردائل پیشگیری نماید. ۳

تعریف وقف:

در تحریرالوسیله امام خمینی (ره) آمده است که:

«وقف عبارت است از: حبس عین مال و قراردادن منفعت آن در راه خیر و در آن فضیلت بسیار و ثواب بیشمار است. در حدیث صحیح از امام صادق (ع) آمده است: شخص پس از مرگ اجری به دنبال خود ندارد مگر در سه کار: ۱. صدقه که آن را در زمان حیات خود برقرار کرده و پس از مرگش نیز هم‌چنان برقرار باشد.

۲. سنت و طریقه خوبی که گذاشته باشد و پس از مرگش بدان عمل شود.

۳. فرزند شایسته‌ای که برای او دعا کند.»

به علاوه روایات بسیار ۴ دیگری نیز از ائمه معصومین (ع) در همین زمینه آمده است که نتیجه همه آنها انجام امور خیریه و رسیدن به ثواب دنیا و آخرت در جامعه اسلامی است. احداث مدارس، مساجد، حمام‌ها، قنوت، راه‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و بسیاری مؤسسات خیریه دیگر که نتیجه تأسیس آنها بر مصالح و منافع عمومی، تأثیرگذار است؛ منبع و سرچشمه‌ای عظیم برای تمام امور خیریه و باقیات و صالحات به شمار می‌آیند.

با تأکیدات الهی و قرآنی رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) برای انجام امور خیر، فرهنگ وقف آنچنان در جامعه رونق گرفت که در دوره‌های مختلف تاریخی خصوصاً تاریخ میانه ایران بعد از اسلام، وزارت و وزیر اوقاف به وجود آمد که در چارچوب سازمان حکومتی نقشی به سزا بازی کرده است و دولتمردان بزرگی چون خواجه نظام‌الملک طوسی - خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و حتی سلاطین مغولی در امور وقف دست به اقدامات بسیار مهمی زدند که مدارس «نظامیه» و «موقوفات رشیدی» حاصل آن می‌باشند.

تدوین وقف‌نامه‌ها در دوره‌های مختلف به صورت‌های مختلف انجام گرفته است. نوشته‌ها در حضور افراد معتمد تنظیم شده و در اختیار واقف و ذو‌الحقوق قرار می‌گرفته است. این متون انشای خاص خود را داشته و با تحمیدیه و مقدمه و مؤخره ویژه‌ای بوده و دارای مضامینی همراه با لغات بسیاری به زبان عربی می‌باشند که نثری متکلف و مصنوع را پدید آورده‌اند. شهود این مکتوبات نیز از به کار بردن لغات عربی و یا حتی اقرار به زبان عربی غافل نبودند که امری قابل توجه محسوب می‌گردد.

از نکات مهم در این وقف‌نامه‌ها، مهرهای واقفان و یا شاهدان می‌باشد که دارای عبارات خاصی به زبان عربی، حاوی اذکار و ادعیه و یا احادیث متفاوت نبوی و ائمه معصومین (ع) است.

خط خوش کاتبان وقف‌نامه‌ها و کاربرد خطوط مختلف اعم از نسخ، ثلث، نستعلیق و شکسته نستعلیق در آنها بسیار جالب توجه است و در منظر اول بر توجه خواننده اثر افزوده و زیبایی و تنوع خط نوشتاری بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

در گنجینه اسناد ملی ایران وقف‌نامه‌ای از دوره قاجاریه وجود دارد که بیشتر متن آن به زبان عربی نوشته شده است. این سند، وقف‌نامه مربوط به دوره فتحعلی شاه قاجار، متعلق به منطقه زواره اردستان از ایالت اصفهان است؛ که یکی از سادات خاندان طباطبائی ساکن در این بخش، قسمت‌هایی از املاک و دارایی خود را وقف اموری نموده - که در بررسی سند بدان‌ها اشاره خواهد شد - و بخش کوچکی را نگه داشته است و یک سال پس از وقف دارایی خود، آن بخش باقی مانده را به عنوان کابین و مهریه همسر خود در نظر گرفته و به قباله نکاح با ایشان درآورده است. در بررسی سند و از لابلای آن، مسائل اجتماعی - مذهبی - تاریخی - اقتصادی و ... نمایان می‌شود. این سند با حدود ۸ - ۳۷ مورد حاشیه مزین گردیده است و ممه‌ور به خواتیم مختلف می‌باشد و هر یک از آنها با شماره‌ای مشخص گردیده و ممکن است نیازمند ترجمه هم باشد که ترجمه آن با ذکر شماره حاشیه، بخشی از این مقاله حاضر است.

متن وقف‌نامه:

هوالواقف علی الضمان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی الضمان و التیات، المطلع علی السرائر و الخفیات و الصلوة و السلام علی سید السادات و منبع السعادات و شفیع الامم فی يوم العرصات محمد المهدی الرضی الذی وقف علی سدة السنیة صنوف التّحیات و خصّ علی - عتبه المبارکة ضروب التلثیمات و آله و عترته الائمة المعصومین الطّاهرین و أمناء الذین المبین ذوی المعجزات الطّاهرات سیما امیرالمؤمنین و امام المتّقین واقف اسرار النبوة و کاشف الغمه باری زمرة المسلمین و المسلمات و اولاده و ائمه حجج الله و ابناؤه الباهرة الزّهرة علی البریات و سلّم تسلیماً کثیراً.

بسمه تعالی شأنه و عظمت آلائه

الحمد لله الذی وعد المتصدّقین من عباده بجمیل الاجر و جزیل الثواب و الصلوة و السلام علی اکمل سفرائه لهدایة الناس الی القربات للفوز فی يوم الحساب و علی ابن عمّه الخلیق من طینته الذی حبه لمدائن الصدقات احسن الابرار و عترته الاعاظم الذین هم الحفظة المکنونات السّنة و الكتاب و [ناخوانا] آثار هم یفوز الفائزین باکمل السعادات فی يوم المآب و بعد[:]: فقد اعترف الواقف المتصدّق المتقرّب الی الکبرات لآزال موفقاً تحویل رضائه سبحانه باکمل الاسباب بصدور الوقف منه علی النحو المرقوم فی هذا الكتاب مدعناً بصحة ما

متن قباله نکاح ربّ آلف بینهما و طیب نسلهما و منی

الحمد لله الذی احلّ النکاح و حرّم الزّنا و السفاح و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و اله سیما ابن عمّه و وصیه و خلیفته و زوج ابنته امیرالمؤمنین و سید الوصین اسدالله الغالب مظهر العجائب و الغرائب علی بن ابیطالب صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الطّیبین الطّاهرین المعصومین و سلّم تسلیماً.

و بعد

زیباترین صورتی که در نگارستان تقدیر بسر [به سر] انگشت تصویر کلک فضا سلک تصویر بیچون [بی چون] و نقاش کارخانه کن فیکون از فضای عدم بصورت [به صورت] خانه وجود قدم گذاشته، هستی و بود نوعروس وجود انسانی است. و چون ضیاء ذوضیاء جوهره این گوهر گرانها را از مشیمه وجود صورت بمثیل [بی مثل] نمود و از حجاب احتجاب طریق جمله پیمان شهود نمود مگر بواسطه [به واسطه] تناکح و تناسل ازدواج و رابطه تعارف و ائتلاف فیما بین ازدواج پس واهب بی منت جل شأنه و عظم سلطانه العزیز عقد مناکحه فرمود و انعقاد آنرا [آن را] از او که عقود و اوثق شهود ساخته رغبات بسیار و تجرد حیات بیشمار [بی شمار] بر محکم کتاب و معظم خطاب خود فرموده و از آن جمله می فرماید: «فأنکحوا ما طاب من النساء مثنی و ثلاث و رباع» و رنگ تشویش و وفاه از مرآت خاطر عاطر کوتاه دستان این نعمت عظمی^۱ بمضمون [به مضمون] مسرت مشحون آیه وافیة الهدایة «فلیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله» زدوده و رسول صادق متصدق صلی الله علیه و اله به زبان معجز بیان وحی ترجمان^۲ و ترغیب و تحریض بان [به آن] فرموده از آن جمله می فرماید [می فرماید] ما استفاد امرء مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمة تسیره اذا نظر الیها و تطیبعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و مالها و حافظته غیابه و اما بعد غرض از تحریر تطییر این حروف و کلمات شرعی المبادی و النهایات و مطلب از نگارش این فقرات بینة الآیات آن است که چون نظام عالم و بقای نسل بنی آدم بمزاجت [به مزاجت] مربوط و بمناکحت [به مناکحت] منوطست [منوط است] و ارتکاب ازدواج متضمن وسعت و غنا و موجب رفع رنج فقر و غناست کما قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه الکریم: و أنکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنیهم التمد من فضله و الله واسع علیم و قال رسوله النبی الکریم صلی الله علیه و آله: النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی و در خبر خیرت اثر دیگر: «تأنکحوا تناسلوا تكثرُوا فانی اباهی بکم الأمم یوم القیمة ولو بالسقط» لهذا بمبارکی [به مبارکی] و فیروزی در احسن ازمنه و اوقات عقد مناکحه صحیحه شرعیّه دائمه واقع شده فیما بین عالیشان رفیع مکان سنّی الشان سلالة السادات و عمدة الاعاظم و الاعیان کفہ الحاج و المعتمرین حاجی میر محمد علی خلف مرحمت و غفران پناه جنّت و رضوان آرامگاه میر سیدرضا الطباطبائی و علیا جناب قداست مآب عصمت و عفت پناه طهارت و ستارت دستگاه العاقله البالغة الباکرة الرشیدة المختاره السّماه ستاره بیگم دامت خداتها حبیبه مجیده عالیشان رفیع مکان عزّت و سعادت نشان عمدة الاعاظم و الاعیان کفہ الحاج و المعتمرین حاجی میرمحمد رفیع الطباطبائی الکهنکی بصدّاق [به صدّاق] مبلغ یکصد [یک صد] تومان رایج از قرار رویه دو مثقالی عددی یکهزار و سیصد دینار مناکحه صحیحه شرعیه اسلامیّه شامله بر ایجاب و قبول الشرعتین و عَبَّ ذالک [ذلک] حاضر شد عالیشان زوج مشارالیه و مصافحه صحیحه نمود بعلیا حضرت [به علیا حضرت] صبیّه جلیله خود همگی و تمامی یک در باغ مشجر مشخص واقع در مدینه

۱. سورة نساء، آیه ۳.

۲. سورة نور، آیه ۳۳.

۳. سورة نور، آیه ۳۲.

السادات زواره مشهور بیباغ [به باغ] خاجه بحدود [به حدود] ذیل که شهره شش قفیز است و یک نیمطان [نیم طان] مزرعه موسومه بمارجوبه [به مارجوبه] من مزارع بر راوند اردستان با جمیع توابع و لواحق و کلاً يتعلق بها شرعاً بمال المصالحة پنجاه تومان از مهر مسمی فی العقد بیباغ حاجی میر محمد زمان اخ الزوج بنهر الماء و از دو طرف بشارع عام و بعد زوج مشارالیه علی رسم القبالة وعده نمود عند القدرة و الاستطاعة یک کنیزک حبشیّه که تقریباً چهل تومان و بیست و چهار مثقال طلائی احمر ساخته و پنجاه مثقال نقره فتات پرداخته و دوازده من بوزن [به وزن] سابق مس ساخته پرداخته از عین المال خود خریداری نموده و مطالبه عوض از او ننماید و معاهده صریحه ملیه شامله بر ایجاب و قبول الشرعین حاویه کل شرائط و ارکان و خالیه از کل مفاسد و بطلان حیث [به حیث] صارت المسمات زوجة حلیله جلیله مخدرة مکرمه دائمه و علیه اداء المهر متلی شاءت و ارادت و علیها التمكن متى شاء و اراد و علیه النفقة و الکسوة و علیها طاعة و به وقع الاشهاد و الله رؤوف بالعباد. اللهم أَلْفَ بَیْنَهُمَا وَ طَیَّبْ نَسْلَهُمَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَمْجَادِ الْأَطْهَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَ اِیْنِ چَند کلمه بر سبیل مهر نامه قلمی گردید و کان ذالک فی تاریخ سابع و العشرون من شهر شعبان المعظم من سنه ۱۲۳۸ من الهجرة النبویة المصطفویة صلی الله علیه و اله و سلم تسلیماً كثيراً كثيراً ثمان و مثلثین و مأتین و الف.

محل مهر:

محمد علی طباطبائی



حواشی

۱. قد وقعت المناکحة المبارکة المیمونة و المصالحة المسطورة متناً و هامشاً لماً رقم فیہ و کنت و کيلاً عنها العبد.

مهر لایقراء

۲. قد و قعت المناکحة المبارکة المیمونة و المصالحة الملیة و کنت و کيلاً من جانب الزوج.

مهر لایقراء

۳. من الشاهدين علی ذلک حاجی سید محمد نیستانه دارد امید شفاعت ز محمد میر محمد.

۴. مناکحه مبارکه و مصالحه مسطوره واقع گردید العبد حاجی قدیر نیستانه و الله علی کل شیء قدير.

۵. وقعت المناکحة المصالحة عبده سید محمد الحسینی.

۶. مناکحة و مصالحه واقع شد سید محمدباقر نیستانه.

یا امام محمد باقر

۷. قد وقعت المناکحة و المصالحة کما فیہ محمد باقر نیستانه

عبده الرّاجی محمدتقی

۸. تعریفها عالیشان حاجی میررفیع ابوها، میرزا محمد مهدی اخوها، میرزا آقا علی اخوها الآخر

آقا میر علیتقی خلف میرآقا علی، حاجی ملاحسین ولد محمدتقی نیستانه، میرابوطالب خالها، آقا

میررحیم خالها، آقامیررحیم خالها الآخر

۹. مقرر آنکه [آن که] علاوه بر تملیکات مسطوره متن مصالحه صحیحه شرعیه نمود. زوج معظم الیه با زوجه معظم الیه همگی و امامی دودانگ مشاع از کل شش‌دانگ یکباب قلعه جدیدالبنای واقعه در مزرعه مارچوبه که زوج معظم الیه بمال و رجال خود بنا نموده و غنی از تحدید و توصیف است با جمیع توابع شرعیه آن بقدرالحصه از ابنیه و بیوتات و دروب منصوبه و اشجار مغروسه انهار جاریه و غیر ذالک ذکر ام لم یذکر بمال المصلحه یکصد دینار از جمله مهر مسمی و صیغه جاری گردید فی تاریخ المتن.

۱۰. مطابق با اصلی است که اصل آن معتبر است به تاریخ ۱۲/۹/۱۵

محمد علی جعفری

صاحب دفتر نمره ۲ اصفهان

۱۱. التظابق و التضاد [واشهاد] بین السواد و ذی السواد موجود معدوم فی ۱۹ شهر رجب ۱۳۵۲

محمد علی اسلامی طباطبائی،

عبده علی بن حسین بن معصوم الطباطبائی

۱۲. هو

و هذه الورقة الحاکیه عن صدور عقد المزاوجة الشرعیه فی [ناخوانا] ۱۴ شعبان ۱۳۵۲ ق.

حسین منی و انا من حسین

۱۳. سواد مطابق اصل است ۳۰/۹/۳۱۲

عبدالرسول شاملو

دبیری ۳۰/۹/۱۲

۱۴) اصل این ورقه ملاحظه و تطبیق داده با اصل تصدیق می‌شود. سند مزبور از حیث اصالت و اعتبار

طبق مرسوم و معمول نوشتجات محلی بنظر [به نظر] اینجانب [این جانب] نقضی ندارد

بشارت رئیس مالیه اصفهان محل مهر اداره مالیه

بخش تحریریه

توضیحاتی پیرامون سند

این سند بر روی کاغذ از جنس [؟] به ابعاد ۳۱×۴۲/۹cm با مرکب مشکی، بنفش و قرمز در تاریخ ۲۷ ماه شعبان ۱۲۳۸ ق در عصر فتحعلی‌شاه در بخش راوند اردستان در شهر زواره مشهور به «مدینه‌السادات» به عنوان «مهر نامچه» سند مهریه و کابین تهیه گردیده است.

دارای نثری مکلف و مصنوع مشحون از آیات و احادیث و کلماتی به زبان عربی است و نثر رایج آن دوره را نشان داده و مرتبط و منطبق با مکتوبه‌های وقفی و علمی محاضر وقفی می‌باشد. وجود امضای شهودی عقد بین دو فرد به نام حاج میرمحمدعلی فرزند میرسید رضا الطباطبائی (خاندان طباطبائی ساکن زواره) «زوج» و ستاره بیگم فرزند میرمحمد رفیع الطباطبائی «زوجه» را به اثبات می‌رساند که علاوه بر تعریف و تأکید بسیار بر امر ازدواج با استفاده از آیات و احادیث مذکور در متن میزان مهریه را هم معین نموده است. ۱) مهریه عبارتست از:

- (الف) صدق: یک صد تومان رایج از قرار رویه دو مثقالی عددی یک‌هزار و سیصد دینار.
- (ب) یک باغ مشجر در شهر زواره مشهور به باغ خواجه‌علی حدود شش ققییز.
- (ج) یک نیم طان مزرعه موسوم به مارچوبه از مزارع راوند اردستان با تمام توابع و لواحق آن بمال المصالحه پنجاه تومان از مسمی فی‌العقد.
- (د) زوج در صورت استطاعت پذیرفته است: یک کنیزک حبشیه به قیمت چهل تومان بیست و چهار مثقال طلای سرخ ساخته پنجاه مثقال نقره فتات پرداخته دوازده من به وزن سابق مس ساخته از عین المال خود خریداری کرده و با ایجاب و قبول بدون حق مطالبه آنها به زوجه بدهد.
- (۲) در مقابل مهریه، بر همسر «زن» تمکین را واجب نموده است.
- (۳) در این سند از خطوط شکسته نستعلیق (در متن)، نسخ (برای آیات و احادیث) و نیز سیاق (برای تحدید ملک) استفاده شده که هر یک خود به گونه‌ای بر زیبایی متن مکتوب می‌افزاید. ضمن آن بیانگر این مطلب است که شهود در آن عصر دارای سوادى به نسبت عالی بوده‌اند و استفاده از نثر مکلف و مصنوع شاید به گونه‌ای مسلط بودن نویسنده بر ادبیات بوده باشد اما بیشتر بیانگر تنظیم سند بنا بر نثر محاضر وقعی است.
- (۴) میزان و مقائیس به کار برده شده در متن، امروزه مقادیر مشابهی دارد که هر یک از عبارتند از: ققییز: واحد وزن که در ازمنه مختلف مورد مصرف بوده و طبق قانون ۱۳۰۴ خ معادل یک دکا متر مربع^۱ فتات: ریزه و شکسته از هر چیز.^۲
- (۵) ارزش پولی سند «روپیه هندی» است که چند برابر و جوه رایج در کشور در آن زمان بوده است و از تمکن مرد نیز معلوم است که نقداً پرداخته است.
- (۶) تقدیم کنیزک: در متن، این موضوع را شامل می‌گردد که در دوره فتحعلی شاه- قاجار رسم برده‌داری رایج بوده و متمکین برای ابراز مقاصد مختلف از آن جمله بیان محبت و دوستی خود از این نوع هدایا تهیه و تقدیم می‌کرده‌اند. این رسم تا آخر دوره ناصری ادامه داشت و در میان مردم نیز پذیرفته شده بود.
- (۷) اگر چه به طلبی که بنده اشاره می‌کنم در سند اشاره‌ای نشده است ولی شاید بتوان چنین دریافت که تقدیم کنیز و طلا و نقره و مس به عنوان رسم موسوم به شیربها باشد که پس از تقدیم غیرقابل طلب بوده است.
- (۸) زمان عقد را این‌گونه عنوان نموده است: «در احسن ازمنه و اوقات» که می‌تواند بیانگر مطلب سعد و نحس بودن ساعات و ایام و اعتقاد به تأثیر حرکات کواکب و ستارگان بر سرنوشت افراد و توجه بسیار به طالع‌بینی و رمل و اسطرلاب حاکم بر زمانه مورد نظر باشد که در اکثریت خانواده‌ها اعم از اشراف و عامی مدنظر بوده است. (اگر چه امروزه نیز تا حدودی چنین است.)
- (۹) عقد ازدواج بین دو خانواده «طباطبائی» است که می‌توان چنین اداراکاتی داشت که: ازدواج خویشاوندی از استحکام بیشتری برخوردار است. عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها بسته شده است. و شاید سادات بودن زن نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱. فرهنگ معین، ج: ۲، ص: ۲۷۰۲، بخش: ۱.

۲. همان، ص: ۲۴۸۳.

۱۰) نحوه نگارش سند در ابتدا با جمله دعائیه و در انتها نیز همان گونه می‌باشد.

امضای شهود و وکلا در حاشیه سند است.

تاریخ سند، هجری قمری است که تا سال ۱۳۰۴ تاریخ رسمی کشور بوده و پس از آن تاریخ شمسی رسماً مورد استفاده قرار گرفته است.

امضای شهود با کنیه‌های عربی آمده است. مثلاً: میرزا آقا علی اخوها الآخر به معنای: میرزا آقا علی برادر دیگرش، یا میرابوطالب خالها به معنای: دائی‌زن. لازم به ذکر است که بعضی از شهود و وکلای عقد، شهادت و وکالت خود را کاملاً به زبان عربی نوشته‌اند.

۱۱) در حاشیه متنی افزوده شده که بر میزان مهریه افزوده است و تاریخ آن را همان تاریخ مندرج در متن اعلام داشته است ولی امضایی در پای این بخش از حاشیه دیده نمی‌شود. شاید در همان تاریخ بوده و نیازی به تاریخ و امضا نداشته و اگر بعدها اضافه شده، بدون تاریخ می‌باشد.

۱۲) این سند به مهر و امضای دفترخانه شماره ۲ اصفهان رسیده و رئیس مالیه اصفهان با ممهور کردن آن اذعان داشته است که تطبیق با سند اصلی مورد تصدیق است و از جهت اصالت و اعتبار طبق مرسوم و معمول نوشتجات محلی به نظر ایشان نقضی ندارد. و هم چنین دارای مهر اداره مالیه اصفهان شعبه تحریریه می‌باشد و این بیانگر مطالبی است بدین مضمون که صاحبان موقوفه پس از ایجاد دفاتر رسمی است. و به این نتیجه دست می‌یابیم که پس از انقلاب مشروطه در ایران و لزوم اجرای بسیاری از کارهای مدنی من جمله ثبت و ضبط املاک و اموال در مراکز رسمی و قانونی که ضرورت ایجاد دفترخانه‌های مذکور را موجب شده بود، صاحبان موقوفه خود را ملزم به ثبت قانونی وقف‌نامه خود دانسته و بدین ترتیب ضمانت اجرائی آن را در زمان‌های آتیه تضمین کرده باشد.

این نکته نیز قابل ذکر است که نام رئیس اداره مالیه خوانا نیست.

دبیر اداره مالیه اصفهان به نام عبدالرسول شاملو در تاریخ ۱۳۱۲/۹/۳۰ نیز حاشیه‌ای بر این سند مهریه نوشته که دلالت بر اصل بودن سواد مهرنامه مذکور دارد.

۱۳) در تقسیم‌بندی شهرها و بخش‌ها و استان‌ها، منطقه زوارل از راوند اردستان در آن روز جزء ولیعهدنشین اصفهان [دارالسلطنه] محسوب می‌گردیده و امروز نیز جزو استان اصفهان قرار می‌باشد.

۱۴) این سند با امضای شهود اولیه رسمیت یافته و پس از آن در دوره حکومت احمدشاه قاجار به سال ۱۳۴۱ ق (مطابق با ۱۳۰۲ خ) به ثبت دفترخانه شماره ۲ اصفهان رسیده است.

۱۵) این سند به شماره ۱۱۴۲۴۰۰۱۱۴۲۴/۳۰۲/۳ الف الف ۱ در سازمان اسناد ملی ایران موجود است که جدیداً ترمیم یافته و در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار می‌گیرد.

۱۶) اندازه مزرعه‌ای که در سند ذکر گردیده به خط سباق برابر ۵۰ واحد طول رایج آن زمان است که از چهار جانب به باغ حاجی میرمحمد زمان برادر زوج، نهر آب و از دو طرف به خیابان عمومی محدود می‌باشد.

ترجمه آیات و احادیث و مطالب موجود در سند که به عربی نوشته شده است.

۱) (سوره نساء، آیه ۳: ... پس از آن کس که از زنان را به نکاح خود آرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت

دو سند از سادات طباطبایی زواره/ دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ- نرجس خاتون محبی

است: « دو یا سه یا چهار (نه بیشتر)...

(۲) سوره نور، آیه ۳۳: و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند...

(۳) حدیث پیامبر(ص): مرد مسلمان فائده‌ای نبرد پس از اسلام که زن مسلمان فرمانبرداری برای او میسر کرد که او را ببیند و به هنگامی که فرمان داد از او اطاعت کند و از خود و مال و ... در غیاب او محافظت کند.

(۴) سوره نور، آیه ۳۲: و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر باقی نماند و از فقر ترسید که اگر مرد و زنی فقیرند خدا به لطف خود آنان را بی‌نیاز گرداند که خدا به احوال بندگانش آگاه و رحمتش وسیع و نامتناهی است.

(۵) حدیث پیامبر (ص): ازدواج سنت من است، پس کسی که از آن روی گرداند، از من نیست.

(۶) حدیث پیامبر (ص): ازدواج کنید تا تولیدمثل کنید تا زیاد شوید که در نتیجه همانا من به شما امت‌های بسیار در روز قیامت افتخار می‌کنم ولو به سقط جنین باشد.

۷) دعای شروع سند:

خدایا بین آنها الفت ایجاد کن، نسلشان را پاکیزه گردان و از من سپاس برای آن خدایی است که ازدواج را حلال و زنا را حرام کرد و درود و سلام بر آقای ما محمد (ص) و خاندانش خصوصاً پسرعمو، جانشین و خلیفه و همسر دخترش فرمانروای مؤمنان و آقای سفارش‌شدگان، شیر پیروز خداوندی، نمونه شگفتی‌ها و... حضرت علی بن ابی‌طالب که دروهای خداوندی بر او و فرزندانش همگی از پاکان و نیکان معصوم و سلامی سلامت آفرین بسیار بادا.

۸) دعای پایان سند:

خدای من بین آن دو الفت ایجاد کن و به حق محمد و خاندانش آن بزرگواران پاکیزه‌خو نسلشان را پاکیزه گردان و سلام سلامت آفرین بسیار بسیاری بر آنها بفرست.

(۹) حاشیه شماره ۱) این ازدواج پربرکت بامیمنت و صلح‌آمیز واقع گردیده که در متن و حواشی همان‌گونه که نوشته شده است مسطور است و من و کیل زوجه هستیم. بنده خدا (مهرش ناخواناست)

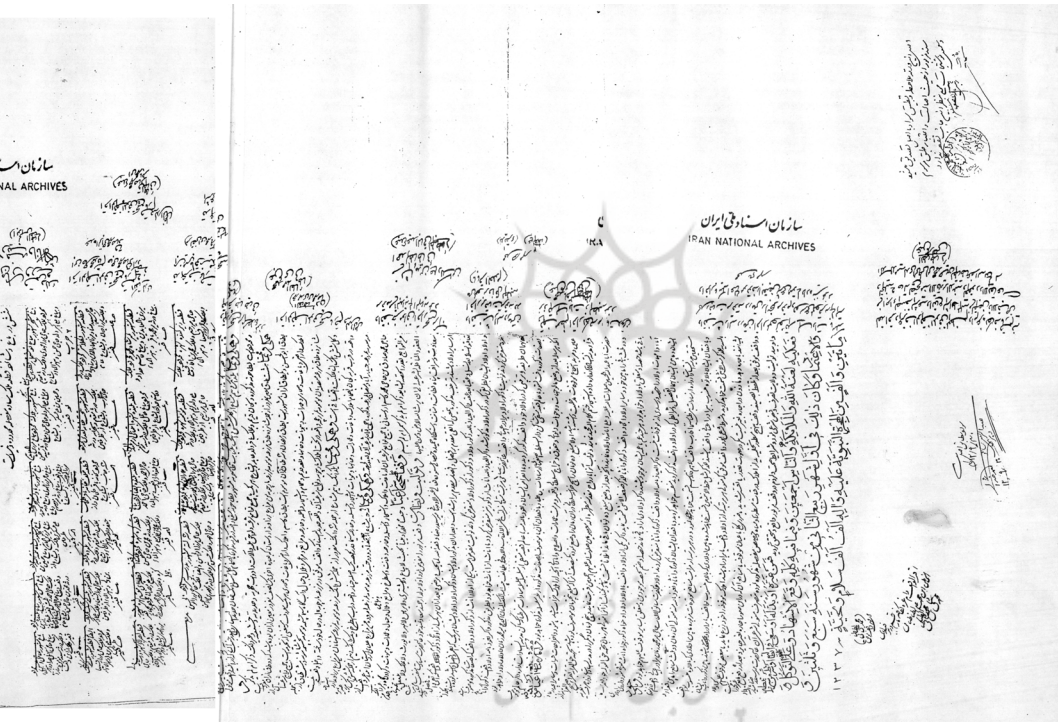
(۱۰) حاشیه شماره ۲) این ازدواج پربرکت بامیمنت و پر از صلح واقع گردیده و من از جانب زوج و کیل هستیم. (مهر خوانده نمی‌شود)

(۱۱) و یا حاشیه شماره ۸) معارف و آشنایان زوجه: عالی شأن پدرش حاج میررفیع- میرزا محمدمهدی برادرش- میرزا آقا علی برادر دیگرش- آقامیرعلی نقی فرزند میرآقا علی- حاجی ملاحسین فرزند محمدمتقی نیستانه- میرابوطالب دائی‌اش و آقارحیم دائی دیگرش.

(۱۲) و یا حاشیه شماره ۱۲)

هو؛ او حق است

و این ورقه حاکی از صدور عقد ازدواج شرعی در [ناخوانا] ۱۴ شعبان ۱۳۵۲ ق است. مطلب حک شده روی مهر حدیث نبوی است به معنای: حسین از من است و من از حسینم.



پیام بهارستان / د. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

